

بررسی موردی اشعار سیاسی شاعران عصر مشروطه

(با موضوع عدالت در اشعار ادیب الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک الشعرا بهار)

ایعقوب پازنده میاری

۲ مسعود مهدیان

چکیده

در بحبوحه انقلاب مشروطه و بعد از آن، مؤلفه‌هایی چون حبّ الوطن، انتقاد از حاکمان بیدادگر و اوضاع نابسامان اجتماع، دفاع از حقوق مردم و بیان دردها و آرزوهای آن‌ها، بیگانه ستیزی و مبارزه با استعمارگران و مداخله‌جویان، ترویج اندیشه آزادی و آزادی‌خواهی در شعر شاعران به وفور جان می‌گیرد و شاعران با زبان ساده و مردمی در این راه برای آگاهی بخشی مردم و بیداری آن‌ها قلمفرسایی می‌کنند و برخی حتی پا فراتر می‌گذارند و در راه آزادی، تنگنای سیاه و سرد زندان را تجربه می‌کنند! نویسنده در این رساله تلاش کرده تا اندیشه‌های سیاسی در اشعار ادیب الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک الشعرا بهار را بررسی و تحلیل نماید. شعر این هر سه به دلایلی چون روزنامه نگار بودن و فعالیت در امور سیاسی- اجتماعی بازتاب اوضاع کلی ایران در عصر مشروطه است. آن‌ها در انتخاب قالب‌های شعری برای ارائه مسائل، بیشتر از قالب‌های پرتحرک و کوبنده‌ای چون مسمط و ترجیع‌بند بهره گرفته‌اند و برای افزایش مخاطبین خود در ارائه مفاهیم و مضامین، از زبان ساده مردم و فرهنگ عامه استفاده کرده‌اند. وطن و وطن‌خواهی، بیگانه‌ستیزی، انتقاد از حاکمان نالایق و طرح دردها و مشکلات مردم؛ مؤلفه‌های برجسته اشعار سیاسی این سه شاعر یعنی ادیب الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک الشعرا بهار بوده است که در این مقاله به موضوع عدالت پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: عصر مشروطه، عدالت، ادیب الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک الشعرا بهار

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱-۱ - مقدمه

در ادبیات عصر مشروطیت گاه تعارضاتی هم از حیث اندیشه‌ها و عقاید سیاسی دیده می‌شود و این اختلافات در واقع از فضای سیاسی متشنج زمان و عواقب آن در سطح کشور ناشی می‌شدند؛ چراکه گروهی با ادبیات حزبی، جبهه‌ای و مسلکی به مقابله با ادبیات ملی و میهنی روی می‌آوردند و گاه مضامین ادبی در این دوره عملکرد واقعی خود را از دست می‌دادند و به‌گونه‌ای غیراصولی و با تشنت آرا همراه می‌شد؛ چنانکه حتی حاکمان وقت نیز بعضاً می‌کوشیدند از افکار و تمایلات شاعران و نویسندگان در جهت تامین خواسته‌های خود و سرکوبی مردم استفاده نمایند. شاخه‌ای از ادبیات سیاسی ایران این دوره نیز که از تمایلات خارجی متأثر بود، با عنوان حمایت از طبقه محروم و ادبیات کارگری و زحمتکشان، نیازهای توده مردم را موضوع اصلی شعر خود قرار داد و کسانی مثل فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی و محمدعلی افراشته به مناسبت‌هایی در تایید و تقویت این گرایشها می‌کوشیدند.

شکل‌گیری جنبش مشروطه (۱۳۲۷-۱۳۲۴ ه.ق.) علاوه بر تاثیر بر حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران، در زمینه‌ی ادبی نیز انعکاس گسترده‌ای یافت. به‌گونه‌ای که بسیاری از شاعران و نویسندگان به صف آزادی‌خواهی گرویدند و با زبان و قلم خود به نبرد با اوضاع نا بسامان زمانه برخاستند. این نبرد زبانی و قلمی به صورت متمرکز و پیوسته در مطبوعات و مجلات آن دوره گسترش و نفوذ چشمگیری یافت. عصر مشروطه یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخی در ایران بود که در آن مسائل مهمی چون آزادی خواهی، قانون و مجلس، عدالت اجتماعی، حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، مبارزه با استعمار و استبداد و ... بر ابعاد گوناگون زندگی مردم سایه افکنده بود. بی‌گمان ادبیات و شعر عصر مشروطه نیز از این تأثیرپذیری برکنار نبود. شاعران عصر مشروطه؛ هم به این دلیل که خود جزئی از مردم بودند و در متن و بطن جامعه درگیر همان مسائلی بودند که مردم با آن‌ها سروکار داشتند و همچنین از این نظر که در قبال سرنوشت کشور و هم‌وطنان‌شان، در خود احساس تعهد و وظیفه داشتند، وارد عرصه تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی شدند. در اهمیت شعر در عصر مشروطه باید گفت: «شعر بیش از هر ابزار فرهنگی با نهضت مشروطیت همراهی و همگامی کرد. در این عصر بسیاری از شاعران با زبان مردم از خواسته‌های مردم سخن می‌گویند. شعر ابزار بیان آرمان‌ها و خواسته‌های مردم می‌شود البته مقدم بر این مسئله نوعی تحول فکری و اجتماعی، وجدان جامعه ایران - به خصوص شاعران - را بیدار کرده است. این تحول اگرچه عمیق نیست اما طرحی نو درآفکند. بسیاری از درهای بسته باز می‌شود و شاعران با آثار فرهنگی ملل اروپایی آشنا می‌شوند. این آشنایی نیز چندان اساسی و عمیق و پردامنه نیست اما برای تحول در محتوای شعر شاعران و نوگرایی در فرم و صورت کافی بود ... در این دوره تعدادی از شاعران از رهبران فکری قوم و ای بسا که بسیاری از آن‌ها به مردانی سیاسی تبدیل شدند افرادی نظیر دهخدا، بهار، فرخی که به نمایندگی مجلس انتخاب رسیدند البته باید به خاطر داشت که همه شاعران عصر مشروطه از همراهان و همگامان انقلاب محسوب نمی‌شدند و چه بسا شاعرانی بودند که در اوج خون و جنون همچنان به دریوزگی در آستان معشوق ائیری و آرمانی مشغول اند (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۶۸).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در این میان شعر مشروطیت برای ترویج و سرپرستی همه از مطبوعات و نشریات که در آن دوره منتشر می شد، سود می جست و می توان گفت که از طریق چاپ در روزنامه ها و جراید، در دسترس عموم مردم قرار می گرفت. از آن جا که با سرعت بسیار در حوزه ای وسیع منتشر می شد به همین دلیل، تاثیر آن بسیار ژرف و عمیق و در بین طبقات مختلف مردم، حتی افراد بی سواد چشمگیر بود. بدین ترتیب یکی از ویژگی مقاله های پنجمین همایش پژوهش های زبان و ادبیات فارسی ۲۰۳ شعر مشروطیت که انتشار وسیع آن در بین مردم است، مشخص می شود. « (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۱۶۵) که با توجه به نقش جراید و روزنامه ها که در سطحی وسیع و گسترده چاپ می شدند می توان به تاثیر آن ها در بالا بردن درک سیاسی آحاد مردم در این برهه از حیات سیاسی- اجتماعی ایران پی برد. واقعیات و رویدادهای اجتماعی به شکل و شیوه ای صریح و مستقیم در آینه ی ادبیات این دوره منعکس است. ادوارد براون در این باره می گوید: « اگر همه ی اشعار این دوره گردآوری شود، تقریباً تاریخ منظوم انقلاب را تشکیل خواهد داد. » (براون، ۱۳۳۵، ج ۱: ۶۲).

در این بین شاعرانی همچون ادیب الممالک فراهانی و وحید دستگردی و مالک الشعرا بهار که از آزادی خواهان و منتقدین به حاکمیت و دولت بوده اند اشعاری در مضامین و موضوع عدالت در جامعه دارند که در این مقاله به بررسی این واژه و عبارت می پردازیم.

۱-۲- بیان مسئله و اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

در عصر مشروطه و بعد از آن، با بیداری بسیاری از مردم از جمله شاعران و نویسندگان مؤلفه‌هایی چون حُبّ وطن، انتقاد و مبارزه با حاکمان بیدادگر و اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی کشور، دفاع از حقوق مردم و بیان دردها و آرزوهای آن‌ها، بیگانه ستیزی و مبارزه با استعمارگران و مداخله‌گران، ترویج اندیشه‌ی آزادی و آزادی خواهی و ... در شعر شاعران به وفور جان می گیرد و شاعران برای آگاهی بخشی مردم با زبانی ساده به بیداری آن ها پرداخته اند در این راستا ذهن آینه سان هنرمندان به خوبی تمام می تواند مسائل و معضلات جامعه را نشان دهد و مخاطب هم در کنار التذاذ هنری از زبان و بیان ادبی با بینش و غور و تعمق در این آثار به شناخت کامل موضوعات بازتاب یافته در هنر می رسد. انقلاب مشروطیت در تاریخ ایران بعد از اسلام از مهم ترین رویدادهای اجتماعی و سیاسی است که ادبیات را در گذر تاریخی خود دستخوش تحول نموده است. در این راستا شعر فارسی به تبعیت رخدادهای سیاسی - اجتماعی زمانه از مدیحه های مکرر بازگشت ادبی به شعری تبدیل شد که در خدمت مطالبات اجتماعی قرار گرفت و مضامینی چون آزادی، ناسیونالیسم (ملت باوری)، زن و حجاب، تجدد و مدنیت غربی و انتقاد از نظام استبدادی و استعماری شالوده ی اندیشه های سیاسی- ادبی شاعران شد. بررسی و تحلیل چنین مفاهیمی در دیوان اشعار شاعران مشروطه خواه این دوره و بازتاب درون مایه های متفاوت هدف این پژوهش بوده است.

ادبیات این دوره چه از حیث محتوا و چه از لحاظ بیان، ویژگی‌هایی پیدا کرد که در دوران گذشته خبری از آن نبود. این نوآوری همراه با مایه‌های سیاسی و اجتماعی در جلوه‌ای از اندیشه‌های ملی و میهنی

- ۱- فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
- ۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature

نمودار گردید و در نتیجه باب نوآوری، تحت تأثیر سیاست زمان، به مخاطبین ادبی این دوره درآمخت. در این دوره واژه‌های سیاسی و ملی به صراحت وارد نظم و نثر می‌شوند و از این طریق در اندیشه‌های مردم رسوخ پیدا می‌کنند. در نتیجه آرمان‌ها و اندیشه‌های مردمی در قالب شعر و ادب و نویسندگی در عرصه‌ی سیاست و جامعه نمودی تازه پیدا کردند. از جمله اندیشمندان، شاعران و نویسندگان این عهد، سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزای نائینی، ادیب الممالک فراهانی (متخلص به امیری)، ملک‌الشعراى بهار، فرخی یزدی (شاعر آزادی و عدالت)، علی اکبر دهخدا با آثار شان باعث پیدایش یا گسترش افکار م‌شروطه‌طلبی و آزادی‌خواهی در بین مردم گردیدند.

۱-۲ پرسش‌های تحقیق:

۱- ادیب الممالک اوضاع سیاسی و اجتماعی را در شعر خود چگونه تشریح کرده است؟

۲- عدالت، در شعر وحید دستگردی چه نمودی داشته است؟

۳- ملک‌الشعراى بهار عنوان عدالت را در شعر چگونه بیان کرده است؟

۱-۳ روش تحقیق:

از آنجا که از مهم‌ترین روش‌ها برای گردآوری اطلاعات لازم در تحقیقات علوم انسانی، روش کتابخانه‌ای است، در این پژوهش نیز سعی بر آن شده است از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شود. برای انجام این کار ابتدا اطلاعات لازم، از کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع مورد نظر از طریق سوال نمودن از استادان و صاحب‌نظران و مراجعه به کتاب‌های فهرست، که منابع مورد نیاز هر پژوهشی را معرفی می‌کند، جمع‌آوری شده است.

شایان ذکر است در هنگام مطالعه و یادداشت برداری، چارچوب طرح تحقیق همواره در نظر بوده است و عناوین اصلی و فرعی کار و رئوس مطالبی که قبلاً تهیه شده است، مدّ نظر بوده و با دقت و نکته‌سنجی، تنها مطالبی که با موضوع ارتباط داشته، یادداشت شد. البته یادداشت برداری محدود به نوشتن مطالب منابع نبوده است و گاه بخشی از اندیشه‌ها و دریافت‌های نگارنده نیز در مراحل مختلف کار یادداشت شده است. پس از مطالعه هر کدام آن‌ها، اطلاعات مفید و لازم را که با موضوع تحقیق مرتبط بودند، استخراج کرده و در فیش‌های جداگانه‌ای ثبت نموده تا در جمع‌بندی مطالب به راحتی از آن‌ها استفاده‌ی لازم به عمل آید. برای سهولت کار هر مطلب زیر عنوان خاص و جداگانه گردآوری شده است.

۱- فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی

آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول

، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature

تحلیل حاضر دارای سه سطح مفهومی، گزاره‌ای و ساختاری است. در سطح تحلیل مفهومی دربارهٔ

واژه‌ها و اصطلاحات بحث شده است و تلاش شده تا از معنی واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به پژوهش ابهام‌زدایی شود. در سطح گزاره‌ای نیز معنای جمله و کل شعر بحث شده است؛ زیرا در بسیاری از موارد تحلیل مفهومی تک‌تک واژه‌ها در متن، ما را به معنای آن جمله نمی‌رساند، بلکه عوامل دیگر مثل نحوه‌ی چینش کلمات و متنی که جمله در آن قرار دارد در معنای آن اثرگذار است. در تحلیل ساختاری نیز سعی شده است به رابطهٔ مجموعه‌ی این عناصر محتوایی شکل‌دهنده‌ی اثر در کنار هم توجه شود و نظام یا مجموعه‌ی این اندیشه‌های سیاسی که سخن در آن قرار گرفته است مورد کاوش قرار گیرد.

بدین ترتیب سعی شده است در این جستار هر چه از سطح تحلیل مفهومی به سطح تحلیل ساختاری نزدیک‌تر شویم و به لایه‌های عمیق اندیشه‌های سیاسی در خوانش شعر دست یابیم.

۴-۱- پیشینه تحقیق

- مهدی رادنی (۱۳۹۲) در پایان نامه‌ی با عنوان: «تأثیر انقلاب مشروطه بر اشعار نسیم شمال و ملک الشعرا بهار» اذعان داشت که اشعار این دو بازتاب‌دهنده‌ی بسیاری از مفاهیم جدید هستند که در طی انقلاب مطرح و به خواسته‌های عمومی تبدیل شدند. همچنین تاکنون شعر این دو شاعر به شکل تطبیقی مورد بررسی قرار نگرفته است و نقاط اشتراک و افتراق اندیشه و شعرشان تجزیه و تحلیل نشده است. در گردآوری داده‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای عمل شده، بسامد آماری آن‌ها مورد توجه قرار گرفته و سپس این داده‌ها به محک و سنجش توصیف و تحلیل درآمد.

- آژند (۱۳۶۳) در مقاله‌ی با عنوان: «ویژگی‌های نوژایی ادبی در دوران مشروطه» معتقد است که برخورد اقتصادی و فرهنگی با غرب که از نیمه دوم سده نوزدهم میلادی به شدت و به طور گسترده رو به فزونی گذاشت، یکی از عوامل اصلی ممالک مشرق زمین و از جمله ایران در گذر از حیات سنتی به حیات نوین خود بود. ادبیات نیز تحت تاثیر این جریان قرار گرفت. دانش زبان و ادبیات اروپایی، تعلیم و تربیت غربی و همپای آن ایجاد امکانات در زمینه تکنولوژی، علوم طبیعی و علوم اجتماعی و بازتاب همه این‌ها در زندگی روزمره، برای ادبیات ایران جریانی بود که در سایه آن آوار حقایقی که برای چندین هزار سال پذیرفته شده بود فرو ریخت و نظم جدید اجتماعی به صورت آن چه که امروز هست (یعنی یک نظم فی مابین) ظاهر شد. گرایش انتقادی نسبت به واقعیت ملی هر چه بیش تر گسترش یافت و نارسایی نوعی هویت بنیادی را برملا می‌ساخت، این گرایش علل و عوامل نارسایی‌ها را بررسی و روش‌های از میان برداشتن آن‌ها را تجربه می‌کرد. این‌ها قالب‌های جریان اصلی ادبیات آن دوره بود، یعنی ادبیاتی پرخاشگر و ستیزگر که توده‌های وسیعی از مردم را به قصد آموزش و آگاهی از عقب ماندگی و بی‌ارادگی‌شان مخاطب قرار می‌داد.

- شفیعی کدکنی (۱۳۹۲) در مقاله‌ی با عنوان: «تحولات ادبیات فارسی از انقلاب مشروطه تا انقلاب بهمن» معتقد است که شعر فارسی قرن‌های متمادی از زندگی قهر کرده بود و همه کوشش‌هایی که شاعران عهد

۱- فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی

آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول

، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature

صفوی برای ایجاد تحول و اصلاح (و به تعبیر خود، همان برای ایجاد حالت جدید) در آن انجام می دادند، چیزی جز تحولی در ظاهر بیان شعری و صور خیال شعری نبود. ولی شعر مشروطیت تا آن اندازه محتوا و گستره‌ی احسانی شعر فارسی را دگرگون کرد که می توان گفت همه پیوندش را با گذشته گسست. مهمترین این تمایزها در حوزه های ذیل بود: در حوزه تفکر و محتوا، در حوزه زبان شعر، در حوزه تخیل، در حوزه شکل و ترکیب شعر.

- میرعلی حسن زاده و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان: «تأثیر طبقه اجتماعی بر شعر شاعران دوره مشروطه با تمرکز بر اشعار «ایرج میرزا» و «فرخی یزدی» معتقدند که دیدگاه های ایرج میرزا و فرخی یزدی در حوزه های نقد سنت های دینی و نقد اجتماعی، آزادی، وطن پرستی، استعمارستیزی، استبدادستیزی، دعوت به مبارزه و تجمل گرایی با یکدیگر متفاوت است؛

- آسیه ذبیح نیا عمران (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان: «رویکرد اعتراضی سیاسی فرخی یزدی و تفکرات انتقادی استبداد ستیزانه او در عصر مشروطه» معتقد است که برخلاف سایر ادوار سیاسی ایران، درد غالب و مطرح، در دوران مشروطه، درد مردم، سیاست های غلط حاکم بر جامعه و ظلم حاکمان است و توجه و اقبال مردم به او و شعرش نیز ریشه در همین دیدگاه اجتماعی وی دارد؛

- شفیعی قهفرخی و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان: «درون مایه های سیاسی آثار ادیب الممالک فراهانی» معتقد اند ادیب الممالک فراهانی یکی از ادیبان بزرگ آن دوران بوده و در کنار دیگران، و با اثرپذیری از حوادث و افکار زمانه اش، دوره جدیدی از ادبیات سیاسی فارسی را رقم زده است. در نهایت نویسندگان در راستای تبیین صبغه سیاسی افکار ادیب به بررسی مسائلی همچون تجددخواهی، عدالت، ناسیونالیسم و وطن پرستی، آزادی خواهی و قانون مداری، وحدت، اخلاق و سیاست، و نیز آگاهی بخشی برای پیشرفت، در آثار وی پرداختند؛

نوآوری مقاله کنونی را می توان از این حیث مورد مذاقه قرار داد که درباره این سه شاعر (ادیب، وحید دستگردی و ملک الشعرا) به گونه ای مجزا با این مؤلفه یعنی «بازتاب اندیشه های سیاسی در شعر» تحقیقاتی صورت نگرفته است. لذا پژوهش حاضر مقاله ای نوین به شمار می رود که با روش توصیف و تحلیل به بررسی اندیشه های سیاسی ادیب، وحید و بهار می پردازد.

۲- چارچوب مفهومی

۲-۱- اندیشه های سیاسی اشعار در عصر مشروطه

جنبش مشروطه، یکی از جنبش های اثرگذار و مهم سیاسی در تاریخ معاصر ایران است که حوزه های بسیاری را تحت تأثیر خود قرار داد. دامنه ی این تحولات وسیع و عمیق، در حوزه های ادبی نیز مشاهده گردید، به نحوی که طرز تحریر و شیوه ی شعر را تغییر داد. (موسی آبادی و فخر اسلام، ۱۳۹۸: ۱۵۸) درباره ی محتوای مشروطه باید گفت هر آن چیزی که برای طبقه ی بورژوازی انقلابی مطرح است، محتوای این ادبیات را تشکیل می دهد. این محتوا در همه ی زمینه ها، رنگ بورژوازی دارد؛ از نظام های حکومتی گرفته

۱- فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تا اخلاق و فلسفه‌های انسانی و تاثیر وجود مناسب‌های اجتماعی، وطن و ملی‌گرایسم، ترقی و دانش‌پژوهی، مساوات و برابری، قانون‌خواهی و قیام ضدّ ستم، آزادی و دموکراسی اجتماعی. این‌ها همه مضامین جاری این ادبیات بودند. از موضوعات تازه‌ای که وارد اندیشه‌ی مشروطه و مشروطه‌خواهان شد، افکار آزادی‌خواهانه و عقاید اجتماعی و سیاسی و فکر تساوی حقوق سیاسی و مسأله‌ی آزادی افکار و حریت مطبوعات و احساس‌های وطن‌پرستانه است که در نظم و نثر، جلوه‌ی خاصی نمود و شعرای توانا و نویسندگان قابل ظهوری را به جامعه عرضه کرده است. (فولادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۴) به طور کلی، مهم‌ترین مضامین شعر فارسی در عصر مشروطه، «آزادی، وطن، قانون‌گرایی، تعلیم و تربیت نوین، توجه به علوم و فنون جدید و توجه به مردم» است. از طرفی، ویژگی‌های عصر مشروطه نیز شامل موارد زیر است:

۱. عمومیت یافتن اندیشه‌های سیاسی که به‌عنوان زبان برنده نهضت در اختیار مطبوعات قرار گرفت.
 ۲. جهان‌شناسی شاعران: نگرش شاعران و نویسندگان نسبت به جهان بیرون دگرگون شد.
 ۳. تخیل و قالب سیاسی در عرصه‌ی بیداری، کم و بیش بی‌تغییر باقی مانده است. نمونه‌ی بارز آن، «سه تابلو مریم» (ایده‌آل) میرزاده عشقی است.
 ۴. از نظر ساخت فنی، اندیشه‌های سیاسی عصر مشروطه، دو مسیر مجزا را در پیش گرفت. گروهی مانند ادیب‌الممالک فراهانی و محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا) به سبکی سنتی پایبند بودند و اشعار خود را طبق سنت‌های ادبی می‌سرودند. گروهی دیگر مانند میرزاده عشقی، نسیم شمال و عارف قزوینی که با موازین گذشته انس چندانی نداشتند، زبان کوچه و بازار را برگزیدند.
 ۵. تغییر در مضامین و محتوا: در عصر مشروطه نه‌تنها روزگار مدیحه‌سرایی و توصیف پدیده‌های طبیعی سر آمده بود، بلکه اندیشمندان به اشعار سیاسی - اجتماعی روی آوردند، به نحوی که با آغاز جنبش مشروطه‌خواهی و ظهور اندیشمندان همچون بهار، ادیب، دهخدا و دیگران و توجه به مقتضیات ویژه‌ی آن زمان، آنان را به سوی اندیشه‌های اجتماعی - سیاسی سوق داد. در نتیجه عشق به وطن، آزادی و... قسمت عمده‌ی ادبیات این دوره را در بر گرفت و بخش عمده‌ی اشعار این دوره، اشعار اجتماعی - سیاسی بود که به تبع انقلاب مشروطه شکل گرفت. (افشاری و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۱-۶۳)
- ۲-۲- شرح مختصری از سه شاعر بزرگ عصر مشروطه (ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعرا بهار)

ادیب‌الممالک فراهانی: میرزا محمدصادق امیری متخلص به محیط، برادر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، وزیر معروف محمد شاه قاجار، صاحب دیوان و منشآت در سال ۱۲۳۹ شمسی در اراک متولد شد. ادیب بعد از انقلاب مشروطیت قدم به سلک روزنامه‌نگاری نهاد، مردی آزادی‌خواه و متجدد است. طلوع انقلاب را می‌ستاید؛ از گشایش مجلس استقبال و از اصول قدیمی انتقاد می‌کند و می‌گوید افکار وطن‌پرستی را در

۱- فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature

ملت رسوخ دهد و با شعور و احساس از وضع رفتن بار نامفان ایران سخن گوید. برخی از مهم‌ترین آثار وی عبارتند از دیوان کامل میرزا صادق خان امیری ادیب‌الممالک فراهانی قائم‌مقامی، پیوسته فرهنگ به اسلوب نصاب‌الصببان، مقدمه‌ی گوهر خاوری و دیوان اشعار و فرموده حضرت نظرعلی جناب.

وحید دستگردی: حسن وحیدی دستگردی متخلص به «وحید» در سال ۱۲۵۸ شمسی در اصفهان به دنیا آمد. در سال ۱۲۸۴ که مشروطیت آغاز شد، به آزادی‌خواهان پیوست و تحریر مقالات سیاسی و ادبی و اجتماعی چهار روزنامه‌ی اصفهان یعنی پروانه، زاینده‌رود، درفش کاویان و مفتش ایران را به عهده گرفت. وحید بعد از پایان جنگ جهانی اول و بیرون رفتن قوای بیگانه از کشور به تهران آمد و دست به فعالیت‌های ادبی زد و در سال ۱۲۹۹، «انجمن ادبی ایران» و در اواخر سال ۱۳۱۶ شمسی، انجمن دیگری به نام انجمن ادبی «حکیم نظامی» را تأسیس کرد. در همین انجمن بود که برخی از آثار استادان سخن را تصحیح و تحشیه و چاپ کرد و نشر «مجله‌ی ارمغان» را سال‌ها ادامه داد.

ملک‌الشعراى بهار: میرزا محمدتقی متخلص به بهار در سال ۱۲۶۵ در مشهد به دنیا آمد و پس از مرگ پدرش و به فرمان مظفرالدین شاه، لقب ملک‌الشعراىی به او رسید. پس از مرگ مظفرالدین شاه، وی در ارتباط تنگاتنگی با انجمن «سعادت» که از مبارزان استبداد محمدعلی شاه بودند، قرار گرفت و در دوره‌ای که به نام «استبداد صغیر» شناخته شده، «روزنامه‌ی خراسان» را چاپ کرد و به اسم «رئیس الطلاب» انتشار داد و نخستین اشعار ملی خود را در آن منتشر ساخت. بهار در دوره‌ی پانزدهم از تهران انتخاب شد و به مجلس رفت و ریاست فراکسیون دموکرات را به عهده گرفت. وی در اردیبهشت سال ۱۳۳۰ شمسی درگذشت.

۳- تحلیل داده‌ها

۳-۱. عدالت

عدالت و رعایت آن در جامعه یکی از خواسته‌های اولیه هر ملت است. مردم با دیدن رعایت حق و حقوق-شان به آرامش و امنیت روحی و روانی می‌رسند و طبیعتاً با طیب خاطر و رضایت‌مندی در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... شرکت می‌کنند و چرخه زندگی‌شان در روال طبیعی خواهد چرخید در غیر این صورت ناخرسندی‌ها و نارضایتی‌ها موجب مخالفت‌ها و سرکشی‌ها و در نهایت طغیان و فروپاشی یک حکومت و آشفتگی ملت خواهد شد.

۳-۱-۱- بازتاب عدالت در اشعار ادیب‌الممالک فراهانی

- ۱-فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
- ۲-استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature
باجا ز کردگار بر این قاصیان خون / ده‌سوم بی نهایت و نفرین لایعد

(همان : ۱۴۵).

در پایان در بدترین شکل ممکن و با طنز و طعنه‌ای تند و صریح و بی‌پروا می‌گوید: قاضی با فاحشه‌ها رابطه خوبی دارد. برای نجات از ظلم قضات سعی کن دم فاحشه‌ها را ببینی و از آن‌ها کمک بجویی چون قضات در برابر فاحشه‌ها تسلیم و خوار و زبون‌اند و از آن‌ها حرف شنوی دارند!

خواهی که یابی از ستم قاضیان امان / خود را فکن به زیر پر «دختر احد»^۱

(همان : ۱۴۵).

همچنین در شعر زیر هم با طنز و انتقاد از «عدلیه» سخن می‌گوید:

مگذر از کنار عدلیه	که خراب است کار عدل
کس نپندارم از وضع و شریف	که نباشد دچار عدلیه
عدل اگر بود می زدند آتش	از میمن و یسار عدلیه
پارتی جو، ز عدل کم تر گو	عدل ناید به کار عدلیه
شرع را نیز از میان بردار	تا شوی یادگار عدلیه
زان که چون شرع نسخ شد گردد	سبب افتخار عدلیه
تا توانی رجال کافی را	ره مده در حصار عدلیه
هر کجا یک دنی بدگهر است	می بدان یار غار عدلیه ...
بار الها به حق هشت و چهار	تو برآور دمار عدلیه

(همان : ۴۶۶-۴۶۷)

ادیب الممالک در شعر « نکوهش عدلیه » با مطلع « به است و ناف محاکم قضیب استیناف / چنان سیوخت که دیگر نه است ماند و نه ناف! » از عدلیه به گونه ای تند و رکیک انتقاد می کند که به برخی از ابیات آن شعر اشاره می کنیم:

نشان عدل چه جویی در این دو سر قافان؟ / چنان سیوخت که دیگر نه است ماند و نه ناف!

۱- در باره این ترکیب در دیوان شعر ادیب در پاورقی آمده است: «یکی از فواحش معروف آن زمان بوده است.»

۱- فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

وزیر زیر لحاف از هوی سخن گوید اگر چه حق توان گفت جز به زیر لحاف...

یکی مشاوره تأسیس شد به دارالعدل که هست مذبح ایمان و مدفن انصاف...
درون محکمه بر ناز و عشوه افزایش از آن سپس که ستانند رشوه قدر کفاف
شوند یاور حال و قوای مرد قوی برند مال ضعیفان ز جور بالاضعاف...

(همان : ۶۹۷-۶۹۸)

در شعر زیر هم ادیب به نکوهش «شورای عالی عدلیه» وقت می پردازد و آن را پر از نادان و خالی از خردمند می داند جایی که ظلم و جور و جهل و حماقت در آن حکمفرماست

فریاد از این مشاوره عالی کز جاهلان پر از عقلا خالی
شهریست ظلم و جور در آن قاضی ملکیت جهل و حمق در آن والی
موسی گرفته مسند فرعون عیسی گزیده منصب دجالی...
بازار دین فروشی و خودکامی است دکان غیب گویی و رمالی ...
اعضای آن که ناقصه شهوت را کرده شترچرانی و جمالی!
شب تا سحر مطالعه فرمایند متن لحاف و حاشیه قالی!
گرگان دویده اند در این گله خوکان فتاده اند در این شالی
وان گه کنند دعوی استادی بر احمد و محمد غزالی ...
دارو به چشم کور همی ریزی روغن به پای لنگ همی مالی ...
در حمل مال خلق علم کردی قدی که گوژگشته ز حمالی! ...

(همان : ۴۸۹)

در شعری دیگر که به لحاظ قالب ظاهری غزل است به طنز و تمسخر از اوضاع عدلیه سخن می گوید و از وضعیّت نابسامان آن انتقاد می کند :

مگذر از کنار عدلیه که خراب است کار عدلیه
کس نپندارم از وضع و شریف که نباشد دچار عدلیه

۱-فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول ، ایران رایانامه : amin.dr1395@gmail.com
۲-استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول ، ایران رایانامه : mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and

Research in Persian culture, language and literature

پارتی جو، ز عدل کم تر گو
عدل ناید به کار عدلیه
شرع را نیز از میان بردار
تا شوی یادگار عدلیه
ز آن که چون شرع نسخ شد گردد
سبب افتخار عدلیه
تا توانی رجال کافی را
ره مده در حصار عدلیه
هر کجا یک دنی بدگهر است
می بدان یار غار عدلیه...
بار الها به حق هشت و چهار
تو برآور دمار عدلیه

(همان : ۴۶۶-۴۶۷)

ادیب از اوضاع نابهنجار و آشفته « دیوان قضا » هم ناراضی است و همچنان که از مجلس و نمایندگان مجلس انتقاد می کند بر « دیوان قضا و عدلیه » هم می تازد و از کارکنانش به شدت انتقاد می کند. ادیب در اشعار تمثیلی و حکایت گونه سبک خاصی دارد و آن بدین گونه است که ابتدا سعی می کند ابیاتی را برای زمینه سازی کلام اصلی بیاورد و سپس آرام آرام در بخش دوم شعر، به سخن اصلی و مغز مطلب خود برسد. وی در ترکیب بندی با مطلع « دوش در خواب یکی در گه عالی دیدم / گنبدی برتر ازین طاق هلالی دیدم » در ابتدای شعر از ساحتی پاک و قصری خالی از هر عیب سخن می گوید و از پرندگان شاد و خوش نغمه، از سبزه و آب روان و جوی و ماهی و بربط و از بلبل و و لاله و باد و مرغان حلقه زن و سرو و یاسمن و از باغی پر از گل و گیاه و سرو شمشاد. ادیب می گوید همه این ها را در خواب می بیند:

دوش در خواب یکی در گه عالی دیدم
گنبدی برتر ازین طاق هلالی دیدم
قصری آراسته ز انواع لثالی دیدم
هر طرف هشته در آن قصر نهالی دیدم

ساحتی پاک، قصوری تهی از عیب و قصور

کرسی از سیم و، بساط از زر و، ایوان ز بلور...

(همان : ۵۲۲)

این فضای توصیفی که ادیب در خواب می بیند و برای مخاطب تعریف می کند می تواند فضای آرمانی شاعر از آن مکانی باشد که در ادامه وارد بحث آن می شود. فضای آرمانی و مطلوب نه واقعی و موجود! و آن فضا «دیوان قضا» است. ادیب در ادامه می گوید: این همه زیبایی و رعنائی و دلآویزی باغ و پرندگان و این همه دل انگیزی آن فضا، خالی از آدمیان بود! همان گونه که آدمیت به راحتی به دست آوردنی نیست و شاعر از این حالت به وحشت می افتد و لاجول به زبان می آورد:

۱-فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
۲-استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and

Research in Persian culture, language and literature

لیک این هر دو فضا، زآدمیان بود تهی نه در آن خواجه و مولا نه پرستار و رهی

نه کدیور نه کشاورز، نه رزبان نه غلام

مرغ در ذکر و درختان به رکوع و به قیام...

(همان : ۵۲۲)

اما ناگهان همه چیز به هم می خورد و آن همه زیبایی دست خوش تغییر و زوال می شود و یکی یکی عناصر و اجزای زیباساز آن باغ و بستان از هم می پاشند:

ناگهان صاعقه‌ای در صف گلزار افتاد کز درخشیدن آن لرزه به دیوار افتاد

آب جوی از جریان، باد ز رفتار افتاد شاخ سرو از حرکت، مرغ ز گفتار افتاد

خیمه زد ابر شبه گون به نشیب و به فراز

سایه ها گشت عیان کوژ و کژ و پهن و دراز! ...

(همان : ۵۲۲)

در روایتی که از شاعر می شنویم ناگهان دیوهای وارد صحنه می شوند دیوهای با شاخ‌هایی خم اندر خم و خنجر در کمر و عمود در دست. دیوهای که سر و صورتی به هم ریخته و چندشناک دارند. پنجه‌هایی ترسناک و دندان و چهره‌ای هولناک. دیوها لب‌هایی چون لب شتر آویزان داشتند و کریه و نعره‌هایی چون صدای گاو سر می دادند. شاعر ادامه می دهد و می گوید از دیدن این همه زشتی به وحشت افتادم و با ترس و با احتیاط پیش رفتم و از یکی از دیوان با ایما و اشاره سوال کردم:

گفتم ای دوست بگو بهر خدا روشن و راست -

که کیانند در این خانه و این خانه کجاست؟

گفت این خانه یقین کن تو که دیوانخانه است دامگاه ددگان و اهرمن دیوانه است

دیولاخی است که اهلش ز خدا بیگانه است دور از بسمله و حرز و ابودجاله است...

(همان : ۵۲۳)

بعد از این، دیو راوی است که سخن می گوید. دیگر وارد فضای دوم شعر می شویم و به وضوح درمی یابیم که آنان که معرفی می شوند کارکنان دیوان قضا هستند! مثلاً بند ذیل، یکی از کارکنان این اداره را معرفی می کند که کراواتی و فکلی است؛ خوش قامت و زیباروست؛ دستانش چون دستان تنبور و شکمش

۱- فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and

Research in Persian Culture, Language and Literature

چون دهل بزرگ است؛ در اروپا برای خودش احترامی دارد و در ایران هم از بزرگان مملکت است. او کسی نیست جز رییس دیوان قضاوت.

این که در گـردن دارد کروات و فُکلی قامتش هست چو سروی و رُخش همچو گلی
دست چون دستۀ تنبور و شکم چون دُهللی در اروپاست بزرگی و در این جا رَجلی

مصلح الدوله و الدین سر دیوان قضاست

کار دیوان دیگر را بی امضا و رضاست

(همان : ۵۲۳).

در ادامه شعر برای دوری از اطاله کلام- کافی است به برخی از مصرع‌ها اشاره کنیم تا ویژگی‌ها و خصلت‌های ناروای کارکنان دیوان قضاوت و ناکارآمدی دستگاه قضای عصر شاعر را از زبانش بشنویم:

آن که از هر طرفی خلق بر او کرده هجوم بر در محکمه‌اش هست عیان غلغل روم...
ما سوی الله را یک لحظه به دم در کشدا جرم‌ها را به یکی رشوه قلم در کشدا...
اصل بیداد و ستم قاضی دیوان جزاست که ز جورش همه‌جا شیون و بیداد و عزاست...
بی حقوق است و نگهدار حقوقش کردند این عجب‌تر که دهل بوده و بوقش کردند...
دیوها را بنگر شاخ به چندین شعبه هر یکی را شکمی ژرف و تهی چون جعبه ...

(همان : ۵۲۳).

ادیب مثنوی‌ای دارد در «تظلم و دادخواهی» که در توضیح قبل از شعر آمده است: «شخصی سعد نام مبلغی از اموال او [ادیب] را به غارت برده و ادیب به مجیرالسلطنه نامی در طی این مثنوی تظلم فرموده است: ادیب در این شعر با حُسن آغاز و تعریف از شخصیت مجیرالسلطنه مسئله‌اش را مطرح می‌کند و از او می‌خواهد در کارش -کار ادیب- مرهمتی کند تا مشکلش حل شود. ادیب الممالک، سعد را در آزار رسانی «ابن سعد» می‌داند نه «سعد». او را دزدی پست می‌داند؛ آدمی پررو که جز خار آزار در او چیزی نتوان دید. آدمی بی‌حیا که تشنه خون مردم است؛ جز دزدی و غارت و دست‌درازی به هر مالی کار دیگری ندارد؛ شاعر از مجیرالسلطنه می‌خواهد به سعد بگوید که او اگر نامش سعد است پس چرا کارش نحس است و این سردی و خشکی خصائل او از چیست بنابراین او سعد نیست بلکه نامبارک و دم‌بریده است نامبارک که هیچ بسیار هم شوم‌تر از نامبارک است:

ای مجیرالسلطنه ای جان پاک ای مقامت برتر از این آب و خاک

۱-فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی

آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com

۲-استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول

، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شکوه ها باشد سر را بر بخت زخمم و ز پاره سازد مرهمت...

راست گویم این سعد است این نه یعد	کار آزش باشد اندر برق و رعد...
راست برگو ای برادر چـون کنم؟	با چه حیلـت دفع این ملعـون کنم؟
چـاره اطماع این دزد دنی	بنده نتوانم به گـرز ده منی
هست رویش هم چـو چرم کرگدن	جوجه تیغی پیش او نازک بدن...
گـرد از سنگ سیاه انداخته	خـون ترسا و مسلمان ریخته
مال تاجـر مال دولت مال پست	جمله را غارت کند این نادرست...
از من مسکین بگـو با وی به جد	که تو نه مشـروطه‌ای نه مستبد...
گر تو سعدی این نحوست از کجاست؟	این برودت این یبوست از کجاست؟
پس نه سعدی تو که شوم و ابتری	نحسی و از نحس هم آن سوتری...

(همان : ۶۱۹-۶۲۰)

ادیب در ابیات پایانی به گونه‌ای طنزآمیز به غارتگری و مال مردم خوری در کشورگریزی می‌زند و به دزدان بزرگی به ایما و کنایه یاد می‌کند که در این سرزمین فراوانند و به سعد می‌گوید از این دله‌دزدی بگذر و برو مثل آن‌ها دزدی‌های بزرگ پیشه کن در من چیزی نبود و نیست که بخواهی از من بدزدی! برو نشان بی‌عاری را بر فرق سرت بزن تا همه تو را ببینند و بشناسند. هر شهر و هر نقطه‌ای که خواستی غارتگری کن اما بعد از این در من چیزی جستجو نکن و طمع را کنار بگذار.

سعی کن تا دزد قهاری شوی	سارق طرار و عیاری شوی
ریشه جانت شود زاین کار پر	دزد خر بودی شوی دزد شتر ...
آن زمان شناس کسب خویش را	تنگ برکش تنگ اسب خویش را...
ابلق بی‌عاری اندر فرق زن	گاهی اندر غرب و گاهی شرق زن...
در قـراباغ و شماخی شیروان	اردوباد و نخجوان و ایروان
شهر را غارت کن و ده را بچاپ	مال شان را در هوا چون سگ بقاپ
بعد از آن دیگر به این مسکین مکاو	که نباید گوشت ببـریدن ز گاو

۱- فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(همان : ۶۲۱-۶۲۲)

۳-۱-۱-۲ شرایط قضاوت از نظر ادیب الممالک فراهانی

از نظر ادیب الممالک کسی را باید برای قضاوت انتخاب کرد که در بین مردم بهترین باشد و خوب تر از او کسی شایستگی چنان امر مهمی را نداشته باشد آدم پاک طینتی که فضل و دانش او بر مردم بیشتر باشد کسی که خصومت افراد نسبت به او نتواند او را از مدار عدل خارج کند و آشفته سازد و مسلط بر نفس است و دچار لغزش دلباختگی هم نمی شود مهر و محبت نمی تواند باعث اخلال در قضاوتش گردد او کسی باید باشد که در خود عصمت و پرهیزگاری و حلم و بردباری داشته باشد. این چنین آدمی لایق و شایسته امر مهم قضاوت است

کسی بر حکم بین الناس بگزین	که گویندت نیابی خوب تر زین
سزای مسند است آن پاک طینت	که باشد فضلش افزون از رعیت
دم خصمش نسازد تار و تیره	به لغزش دل نبازد خوار و خیره
چو خصمان در برش سازند حجت	شود تاریک از هر سو محبت
قرین عصمت و پرهیزگاری	شریک حلم و جفت بردباری
بین اندر هنرهایی که ورزد	که هر مردی به کار خویش ارزد

(همان : ۶۴۶-۶۴۷)

۳-۲-۱-۱ بازتاب عدالت در اشعار وحید دستگردی

۳-۲-۱-۱-۱ اشرفی گری و اعیانی و پایمال شدن عدالت

اشرفی گری و اعیانی مایه بی عدالتی و فشار بر طبقات محروم می شود و موجب می گردد افراد زیادی با مشقت و سختی زندگی شان را سپری کنند تا در قبال آن، عده ای معدود و خاص در رفاه مطلق به سر ببرند! وحید در اشعار زیر به این نکته اشاره می کند و اعیان و اشراف را بلای مملکت می داند منتها بلایی که به چشم نمی آید مرموزانه و پنهانی و موربانه وار در حرکت است. مردمان زیادی باید در بدبختی و بی خانمانی باشند تا مقدمات و در نهایت امکانات سعادت این گروه خاص یعنی اعیان و اشراف فراهم گردد. اندک پول این بدبخت ها و بیچارگان محروم، باید ذره ذره و طی سالیان جمع گردد تا بنای کاخ این گروه خاص برافراشته گردد! به قول شاعر رنجبران زیادی باید در تلاش خستگی ناپذیر باشند تا این گنج بران به سرمایه قارونی برسند!

بلای مملکت اعیان و اشراف اند پنهانی عیان گردید این معنی چو روز امتحان آمد...

- ۱-فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
- ۲-استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature

هزاران خانه ویران گشت از بید و یک خانه به سیم بایگ قران با کاخ زرین توأمان آمد

هزاران رنجبر تا جان نداد از سختی و زحمت کجا یک گنجبر با دولت قارون قران آمد

(دستگردی، ۱۳۰۷: ۵۵-۵۶).

هزاران مستضعف و بیچاره باید حتی از لباس ساده و معمول خود بی نصیب باشند تا یکی از این اشراف و اعیان بتواند به لباس از پارچه های لطیف و گران قیمت برسد هزاران سفره حتی از نان خالی باید بی نصیب گردد تا یکی از این مایه دارها انواع غذای رنگین بر سفره بگذارد و به فکر شهوت رانی شکم سیری خود باشد و این گونه است که هزاران فرد ضعیف در چنین جامعه ای باید بمیرند تا یکی به توانایی مطلق برسد.

هزاران پیکر از پیراهن کرباس شد عریان به تن پوشنده تا یک تن پرند و پرنیان آمد
شد از نان تهی چندین هزار انبان تهی، وانگه- یکی را ده خورش از بهر شهوت زیب خوان آمد
هزاران ناتوان مردند تا یک تن توانا شد به محنت صد نفر ماندند و یک تن عیشران آمد
هزاران سوختند از آفتاب گرم تا یک تن به مشکو سایه پرور شد ز محنت بر کران آمد
شراب از خون ایتمام و ارامل می کند خواجه کباب سفره اش لخت دل و پیر و جوان آمد

(همان : ۵۵-۵۶)

از نظر وحید دستگردی: مردمی که عقل و خرد داشته باشند هرگز با کسانی که دشمن عدالت هستند دوست نمی شوند. آن ها ستم گستراند و ترحم به آن ها نشانه دیوانگی است. باید وطن را از لوٹ بیگانگان - که دشمن این آب و خاک اند- پاک کرد. با آن ها باید به گونه ای برخورد کرد که از آمدنشان پشیمان شوند.

دل قوی دارید روز همت و مردانگی است دوستی با دشمن عدل از خرد بیگانگی است
بر ستم گستر ترحم کردن از دیوانگی است چند این بیگانه در این ملک خصم خانگی است
از صفاهان عازم شیزراز و کاشانش کنید رفتنی کز آمدن باری پشیمانش کنید

(همان : ۷۰)

۳-۲-۱-۲- تلاش برای برقراری عدالت

- ۱- فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
- ۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

وحید از آزادیخواهان که کاوه را از دست می‌خواهد مثل او در راه وطن مثل جانشانی کنند تا ایران، این مرز کیانی، از دست ضحاک ظلم رها شود و حکومتی عادلانه بر جامعه سایه بگستراند. وحید می‌گوید آن گونه که فریدون از کوه به شهر ستم‌دیده آمده بود و مردم را نجات داده بود. سردار بختیاری هم مردم و مملکت را از ستم بیدادگران می‌رهاند و در جوی زندگی این قوم، آب عدالت را دوباره جاری می‌سازد:

چون وحید دستگردی دستیار اصفهان ترک جان و سر بگویند ای نژاد کاویان

تا رهد از دست ضحاک ستم مرز کیان فرّ فریدون به شهر از کوه آید ناگهان

بختیاری مملکت را بخت وش یاری کند

باز در جو آب عدل رفته را جاری کند

(همان : ۷۱).

در ابیات زیر مثل برخی از نمونه‌شعرهای دیگر، وحید عدالت را در برابر استبداد قرار می‌دهد و با زبانی تند و هجوآمیز مستبدان را خر می‌داند. مستبد را آن قدر بدبخت و حقیر و بی‌ارزش می‌داند که به قول او حتی خر در پیش او پیغمبر است! کشتن یک ستمگر را برابر با هفتاد حج اکبر می‌داند. از نظر او مشروطه خواهان یاوران حقیقی عدالت اند. آن‌ها باید پروانه‌وار در آتش سختی‌ها و در راه هموار کردن راه آزادی بسوزند تا از وجودشان «شمع عدالت» در وطن روشن بماند.

هر کس استبداد ورزد گر بشر باشد خر است بلکه خر در پیش استبداد خو پیغمبر است

کشتن یک مستبد هفتاد حج اکبر است هر که با مشروطه توأم با عدالت یاور است

بایدش پروانه وش عاشق شدن بر سوز و ساز

تا شود شمع عدالت در وطن مجلس فروز

(همان : ۷۰).

وحید در ترکیب‌بند (هوش و هنر) که از مشروطه خواهی، ظلم ستیزی و عدالت خواهی سردار اسعد سخن می‌گوید، از زبان او می‌نویسد: اگر حقوق مشروطه خواهان برآورده نشود با سپاهی که غیرقابل شمارش باشد به تهران می‌آیم و با عدالت، بنای ظلم را ویران می‌کنم و اثری از مستبد و استبداد باقی نخواهم گذاشت:

کایدون حقوق ملت مشروطه خواه را بایست رد نمودن بی‌گفت و بی‌جواب

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature
ورنه من از محمدره آیم به ملک ری با لشکری فـرـونـر از حیطة حساب

نه مستبد به جای گذارم نه ظلم کیش معموره ستم به عدالت کنم خراب

(همان : ۹۲)

درباره آمدن سردار اسعد و تاثیر حضور و اقدامات عدالت خواهانه اش هم می نویسد:

گسترده شد بساط عدالت به ملک جم تا بر سر مقدم نوشروان رسید

بستان عدل سبز شد از فر فرودین بر شوره زار ظلم دم مهرگان رسید

(همان : ۹۳)

۳-۳-۱- بازتاب عدالت در اشعار ملک الشعراى بهار

در اواخر سلطنت مستبد محمدعلی شاه قاجار در سال ۱۲۸۶ ش. به سبب کینه جویی های [شاه] با مشروطه خواهان و آزادی طلبان، بهار قصیده «کار ایران با خداست» را می نویسد. در این شعر از نظر بهار آن چه کشتی مملکت را در بحر حوادث و از خس و خاشاک استبداد می رهند، «عدالت» است در حالی که در کشور ایران پادشاه که در رأس امور است و دارای قدرت، خون جمعی بی گناه را تباه می کند اما چنین امور دور از مسلمانی است. چنین فرمانروایی از نظر بهار طینتی پاک ندارد. بهار امید به بهبودی او ضاع ندارد و از نظر او تنها خداست که باید به داد این ملت بیچاره برسد!

هر دم از دریای استبداد آید بر فراز موج های جانگداز

زین تلاطم کشتی ملت به گـرداب بلاست کار ایران با خداست

مملکت کشتی حوادث بحر و استبداد خس ناخدا عدل است و بس

کار پاس کشتی و کشتی نشین با ناخداست کار ایران با خداست

ای مسلمانان در اسلام این ستم ها کی رواست؟ کار ایران با خداست

۱- فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and

Research in Persian culture, language and literature

شاه ایران گر عدالت را خورشید پاک نیست

دیده خفاش از خورشید در رنج و عناست کار ایران با خداست

(بهار، ۱۳۸۷ : ۱۲۵).

بهار علاوه بر اشعاری که به طور کلی دربارهٔ اجرای عدالت در جامعه می‌سراید در نمونه‌های فراوانی هم در لابه لای ابیات یک شعر، به گونه پند و اندرز به شاه یا حاکم و ... توصیه می‌کند تا آن‌ها عدل و داد را رعایت کنند و از جور و ستم بپرهیزند :

خطاب به مظفّرالدین شاه:

دشت و دیار از زِ ظلم و جور تهی گشت	ملک بماند همیشه خرم و آباد
ملک یکی خانه‌ای است بنیادش عدل	خانه نیاید اگر نباشد بنیاد
داد و دهش گر بنانهند به کشور	به که حصاری کنند ز آهن و پولاد
شکر خداوند را که داد و دهش را	طرفه بنایی نهاد پادشه راد
خسرو گیتی‌ستان مظفر دین شاه	آنکه ز عدلش بنای ظلم برافتاد

(همان : ۳۸-۳۹).

در اندرز به حاکم قوچان دعا می‌کند هیچ دلی گرفتار بیدادگری نگردهد و از حاکم قوچان انتظار دارد و به طور ضمنی از او می‌خواهد بعد از این کاری کند تا مردم بعد از آن همه بیدادگری، طعم شیرین عدالت را بچشند:

خرم و آباد باد مـرز خبوشان	هیچ دلی از ستم مباد خروشان
اهل خراسان و جز خراسان دانند	جمله که چون است حال مردم قوچان
ظلمی زین پیش رفته است بر آن‌ها	او کند آن ظلم را از این پس جبران
ملک بیاراید و به عدل گراید	تا شود آباد آن چه زو شده ویران

(همان : ۴۰).

- ۱-فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
- ۲-استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian Culture, Language and Literature

همان طور که ذکر شد مؤلفه «عدالت و عدالت گستری» یکی از مؤلفه‌های مهم شعر ملک‌الشعرا بهار است. بهار در ترکیب بند طولانی «آیینۀ عبرت» علاوه بر موضوعات گسترده‌ای که بدان‌ها پرداخته است از عدالت نیز سخن گفته است و در مواردی هم در برابرش عنصرمقابلش یعنی ستم و استبداد را نیز ذکر می‌کند:

همّت و مردانگی هر مشکلی آسان کند
خود قشور را مرد با همّت قلمدان می‌کند
چون قلمدان یافت، عدل و داد و احسان می‌کند
عدل آری ملک را چون باغ رضوان می‌کند...
الغرض عدل شه و تدبیر آن دست‌سور داد
ملک را کردند خرم، خلق را کردند شاد...

(همان : ۷۹)

بهار در قصیده «عدل مظفر» هم در ضمن مباحث گوناگونی که مطرح می‌کند، «عدالت» را در مرکز سخنش قرار می‌دهد. ابیات آغازین شعر :

کشور ایران ز عدل شاه مظفر
رونقی از نو گرفت و زینتی از سر
عدل ملک، ملک را فزود و بیاراست
روز افزون باد عدل شاه مظفر
پادشاه دادگر مظفر دین شاه
خسرو روشن دل و عدالت گستر

(همان : ۴۸-۴۹)

آن چه از فحوای کلام شاعر در باب عدالت دریافت می‌شود این است که «عدل» و «دادگستری» موجب خرسندی مردم از حکومت و در نهایت باعث رونق مملکت و خرمی آن می‌گردد کشور رو به آبادی می‌رود و مردم امید به زندگی شان بیشتر می‌گردد و این یعنی عمران و آبادی در سطح کشور و ماندگاری و دوام حکومت که بهترین ثمره گسترش عدالت است.

۴- نتیجه گیری

در هیچ دوره تاریخی مثل مشروطه، شاعران این همه به مسائل سیاسی و اجتماعی نپرداخته‌اند. آن‌ها شعر را صرف دفاع از حقوق مردم کرده‌اند حتی عده‌ای در این راه حبس، تبعید و مرگ را چشیده‌اند. این مسئولیت اجتماعی موجب تغییر مخاطب از خاص (دربار، شاعران دیگر، دانایان و ...) به سمت مردم می‌شود و آن‌ها می‌کوشند برای ایجاد ارتباط با همه مردم، زبان و بیانی ساده و مردمی انتخاب کنند و برای ایجاد

۱-فارغ التحصیل دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی
آباد کتول، ایران رایانامه: amin.dr1395@gmail.com
۲-استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول
، ایران رایانامه: mahdian.masood@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature

شور و هیجان و تشویق مردم به حالت در امور سیاست جهت دفاع از نام وطن و فرهنگ و باورها و اعتقادات ملی و مذهبی، از قالب هایی استفاده کنند که موسیقی شورانگیزی داشته باشد. مثل ترجیع بند، ترکیب بند و مسمط که به سبب تکرار و کوتاهی و ضرباهنگی که دارند موثر از کار در می آیند. آن ها در بیان هم شعر جدی دارند هم شعر طنز آمیز. "لحن کلام در مواردی مثل برخی از شعرهای ادیب و وحید به هجو و رکاکت کلام می رسد." این است جریان شعر مشروطه که در آن، تاریخ موجب تغییر مخاطب، موضوع و قالب های شعری می شود و ادبیات با رشد دنیای صنعتی نسبت به سبک های پیشین جریان های جدید می گیرد. مخاطب عمده سه شاعر مورد پژوهش- ادیب الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک الشعرا بهار؛ مردم ایران، امت اسلامی، حاکمان و صاحبان قدرت داخلی، آزادی خواهان و مشروطه طلبان، بیگانگان مهاجم و بیدادگر اند. زبان آن ها ساده و روان و به گونه ای است که بتوانند به راحتی معانی و مفاهیم سیاسی و اجتماعی را به مخاطبان - که غالباً مردم اند- برسانند. "زبان ادیب در مواردی نسبت به وحید و بهار از سادگی فاصله می گیرد چون از نظر تاریخی به سبک بازگشت نزدیک تر است اما وحید و بهار - به خاطر نزدیک شدن به دوره معاصر- زبان ساده تری دارند." در قالب ها هم علاوه بر قالب های مطرح عصر مشروطه یعنی مسمط و مستزاد از ترجیع بند، ترکیب بند، قصیده، مثنوی، قطعه و به ندرت غزل بهره می برند. هر چند این سه در طول عمر خود با حرکت مشروطه دچار تغییراتی در عقاید خود می شده اند اما هر سه شاعر در باور به عدالت خواهی، مشروطه خواهی و شکل گیری مجلس و تصویب قانون مشترک بودند اما نوع نگاه و دیدگاه آن ها صددرصد یکسان نیست و در واقع زبان و بیان ادیب در انتقاد از عدلیه و اجرای عدالت در جامعه بسیار گزنده تر از بهار و وحید است او خود بارها در بازستانی حق خود ناموفق مانده بود و از این رو این مسئله را بهتر درک می کرد. سلاح هجو ادیب با تندی عدلیه را نشانه می گیرد.

فهرست منابع و مواخذ

۱. ادیب الممالک، میرزا صادق خان امیری (۱۳۱۴) دیوان اشعار ادیب الممالک به تدوین و تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، انتشارات آفاق
۲. براون، ادوارد (۱۳۷۵) تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، تحشیه و تعلیق: ضیاءالدین سجادی و عبدالحسین نوایی، چاپ دوم، تهران: مروارید.
۳. بهار، محمدتقی/ملک الشعرا بهار (۱۳۸۷). دیوان اشعار ملک الشعرا بهار، چ دوم، تهران: نگاه
۴. دستگردی، وحید (۱۳۰۷)، رهاورد وحید، ضمیمه سال نهم، مجله ارمغان. (کتاب الکترونیک / پی دی اف): تبرستان.
۵. سلیمانی، بلقیس (۱۳۷۹) همنوا با مرغ سحر / زندگی و شعر دهخدا، چ دوم، تهران: ثالث.
۶. فولادی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۸)، «نقش شاعران مسمط پرداز مشروطه در پدید آمدن شعر نیمایی»، فصل نامه ی پژوهش های ادبی، ش ۶۴: ۸۹-۱۱۱.
۷. میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت (۱۳۸۵)؛ واژه نامه هنر شاعری، چ سوم، تهران، انتشارات کتاب مهناز

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian Culture, Language and Literature

۸. موسی آبادی، رضا و بتول خجری اسلام (۱۳۹۸)، «بازتاب هویت ملی و نمونه‌های آن در شعر شاعران
برجسته‌ی عصر مشروطه»، فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی، ش ۷۷: ۳۹-۵۸.